

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

سید موسی عثمان هستی
ایالت کالورادو – امریکا
۲۶ – ۱۱ – ۲۰۰۹



نگیر نام از قفس

وقتی که می شنوم
در بین کلمات گم می شوم
نمی دانم با چه زبانی تفسیرش کنم
سکوت را ارزش می دهم از زبان دراز
اما ، اما
صدای غریبانه کنیری وادارم می کند
بجای آن فریاد کشم
و بگویم که
که در هر اسم این نام

که قفس زندان است
آزادگان در آن حیران است
حلقه زنجیر در پای آزادی و آزادگان است
میله های قفس :
پنجره روشن، اما دلگیر است
که روشنی در انحصار قفس
پریشان است
قفس زندان است
کنیری دارای پر و بال است
ولی در عقب میله ها
سخت نگران است
که صیاد چه وقت بر می گردد
که او همیشه
دست بر ماشه و کمان است
صید را نه راه فرار در توان است
هستی همه برباد رفته
صیاد نامهربان است
این صفت قفس و زندان است
آزادگان در هراس از این نام و نشان است
کنیری بسته پر و بال است
قفسش پوشیده به یک شال است
قفس در نقش زندان است
از دلتنگی غزلخوان است
او دلتنگ است او دلتنگ است
با داشتن پر و بال ناتوان است
در کنار میله های قفس چشم براه و پریشان است
سرود کارد تیز و بُرنده را
در گلوی خشک زمزمه می کند
اسارت را مرگ تدریجی می داند
نفرین بر صیاد میگوید